Research in Clinical Psychology and Counseling

https://tpccp.um.ac.ir | Vol. 12, No 2, 2022

ISSN(Online): 2423-4265 | ISSN(Print): 2251-6352 | Research Article

Evaluation of the Effectiveness of Self-knowledge Education with Sadra's Approach on Increasing Spiritual Intelligence

Fereshte Zarifian
Graduate master, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: fereshte.zarifian@gmail.com
Mohammad Saeid Abde khodaei
Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author), Email: abdkhoda@um.ac.ir
Hamid reza Agha mohammadian sharbaf
Pofessor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: aghamohammadian@um.ac.ir

Recived: 12/10/2022 Revised: 09/10/2022 Accepted: 03/09/2022

Citation: Zarifian, F., Abdekhodae, M. S., & Aghamohammadian Sharbaf, H. (2022). Evaluation of the Effectiveness of Self-knowledge Education with Sadra's Approach on Increasing Spiritual Intelligence. Research in Clinical Psychology and Counseling, 12(2), 5-24. doi: 10.22067/tpccp.2022.76259.1278

Abstract

Purpose: The aim of this study was to investigate the effect of self-knowledge education with Sadra's approach on increasing spiritual intelligence.

Method: This research was a quasi-experimental study with pretest-posttest and control group design. The statistical population includes the female students of Ferdowsi University of Mashhad. From this population, 40 students were selected using convenience sampling method and were randomly divided into two experimental (n=20) and control (n=20) groups. The experimental group received six sessions of self-knowledge education with the Sadrai approach, and the control group did not receive any intervention. The Sohrabi and Naseri's spiritual intelligence questionnaire was used to collect data at two stages of pre and post test. The data were analized using ANCOVA and MANCOVA methods by SPSS-19 software.

Findings: The results showed significant difference between the experimental group and control group in the variable of study indicating that self-knowledge education with Sadra's approach led to the promotion of spiritual intelligence of female students of Ferdowsi University.

Keywords: Self-knowledge Education, Sadra Approach, Educational Program, Spiritual Intelligence.

پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره
مقاله پژوهشی https://tpccp.um.ac.ir دسترسی آزاد

بررسی اثربخشی آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی بر هوش معنوی

فرشته ظریفیان
دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. fereshte.zarifian@gmail.com
محمدسعید عبدخدایی
دانشیار گروه روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)، abdkhoda@um.ac.ir
حمیدرضا آقامحمدیان شعرباف
استاد گروه روان شناسی عمومی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. aghamohammadian@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۰
استناد: ظریفیان, فرشته, عبدخدائی, محمد سعید, & آقامحمدیان شعرباف, حمیدرضا. (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی بر هوش معنوی. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره, ۱۲(۲), ۲۴-۵. doi: 10.22067/tpccp.2022.76259.1278

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش برنامه خودشناسی با رویکرد صدرایی بر افزایش هوش معنوی انجام شد.
روش: روش این پژوهش شبه آزمایشی و از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد بود که تعداد ۴۰ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰) نفر و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. به گروه آزمایش شش جلسه آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی ارائه شد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکردند. ابزار مورداستفاده در مطالعه حاضر پرسشنامه‌ی هوش معنوی سهرابی و ناصری بود که در دو مرحله پیش از مداخله و پس از مداخله استفاده شد. تحلیل داده‌های پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS-19 و با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تک و چند متغیری انجام شد.
یافته‌ها: نتایج نشان دهنده‌ی تفاوت معناداری بین گروه‌های آزمایش و کنترل بود. نتایج نشان داد که آموزش خودشناسی با رویکرد ملاصدرا منجر به ارتقای هوش معنوی دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی گردید.
واژه‌های کلیدی: آموزش خودشناسی، رویکرد صدرایی، برنامه آموزشی، هوش معنوی

مقدمه

پیشرفت علم روان‌شناسی از یک‌سو و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری بیابند. چنین به نظر می‌رسد که مردم جهان امروز، بیش‌ازپیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند. این توجه و میل جهانی به موضوعات معنوی موجب شده که برخی از سازمان‌های بهداشتی مثل سازمان جهانی بهداشت به بازنگری تعاریف موجود در مورد انسان و ماهیت بشر بپردازند تا آنجا که سازمان جهانی بهداشت در تعریف ابعاد وجودی انسان به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بُعد چهارم یعنی بُعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد (West, 2000).

سازه‌ی هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتوی توجه و علاقه‌ی جهانی روانشناسی به حوزه‌ی دین و معنویت قرار گرفته است. هوش معنوی دست‌آورد ده‌ها سال تحقیقات در حوزه روانشناسی دین است که به‌عنوان زیرساخت سرمایه‌ی معنوی نقش مهمی در ارتقای سرمایه‌ی روان‌شناختی، بهزیستی و بلوغ معنوی فردی و اجتماعی دارد .(Hodhodi, Abdolahi, Arasteh & Zinabadi, 2021). آنچه موجب شده است که سازه‌ی معنویت به‌عنوان هوش مفهوم‌سازی شود، آن دسته از مشاهدات و یافته‌های علمی بیان‌کننده این واقعیت است که کاربست الگوهای ویژه‌ای از افکار، هیجان و رفتار که معمولاً در زیر مفهوم دین و معنویت به آن پرداخته می‌شود، در زندگی روزمره می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی انسان شود (Sohrabi & Naseri, 2012).

در سال‌های اخیر گروهی از پژوهشگران از جمله زوهار و مارشال (Zohar & Marshall, 2000)، ولمن (Wolman, 2001)، سیسک (Sisk, 2002)، ناسل (Nasel, 2004)، آمرام (Amram, 2007)، کینگ (King, 2008) و محققانی از کشورهای اسلامی مانند سهرابی و ناصری (Sohrabi & Naseri, 2010)، عبدالله‌زاده و همکاران (Abdullahzadeh et al., 2009)، خدایاری‌فرد (Khodayarifard, 2015) و هدهدی و همکاران (Hodhodi et al., 2021) در ایران درصدد آن برآمدند تا مفهوم هوش معنوی را با توجه به مبانی نظری تعریف و مؤلفه‌های آن را مشخص کنند. در تعریف‌های موجود از هوش معنوی، ویژگی مشترک آن‌ها تأکید بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره دیده می‌شود.

هدهدی و همکاران (Hodhodi et al., 2021) بیان می‌کنند در متون اسلامی در قالب سامانه‌ی ترکیبی از سه مقوله‌ی عقل، قلب و حکمت پردازش و با واژگانی مانند قوه‌ی قدسیه، عقل قدسی، هوش باطنی،

فراست مؤمنانه، بالاترین مرتبه ذکاوت، حکمت، قوه شهود و نیز با عین واژه هوش معنوی طرح و بررسی‌شده و هوشمندان معنوی با عنوان «اولوالباب» و «اولی الابصار» معرفی شده‌اند. مؤلفه‌های پنج‌گانه و شاخص‌های استخراج‌شده از متون و منابع اسلامی عبارت‌اند از: جستارگری معنا و هدف (با شاخص‌های پرسشگری و تفکر انتقادی وجودی، کشف و خلق معنا و هدف در زندگی و کار)، ظرفیت تعالی شناختی (با شاخص‌های فضیلت‌مندی نیروی شناختی، توانایی فراروندگی در شیوه‌ها، مراتب و منابع شناخت)؛ توانایی کسب آگاهی‌های متعالی (با شاخص‌های خدا آگاهی، خودآگاهی متعالی، ادراک آیه‌ای هستی، تشخیص خیر و شر)؛ معنویت (با شاخص زندگی معنوی درونی) و حکمت (با شاخص زیست حکیمانه/ خردمندانه).

ایمونز (Emmons, 2003) نیز نتیجه‌گیری می‌کند که هوش معنوی مانند انواع دیگر هوش‌ها، قابل پرورش است. از جمله داشتن یک ذهن باز و عمیق نگر که تحمل عدم قطعیت، تناقضات و ابهامات را دارد و برای رشد هوش معنوی مفید است. درحالی‌که وجود سیستم اعتقادی انعطاف‌ناپذیر و بسته، ممکن است مانع رشد هوش معنوی در افراد شود (Daei, 2012). مقدم بر همه این‌که برای تحول مداوم میزان زیادی از آگاهی هوشی در مورد رویدادها و تجربه‌های زندگی فرد و انطباق با آن‌ها و نیز پرورش خودآگاهی ضروری به نظر برسد (Sisk & Torrance, 2001; Zohar & Marshall, 2000).

وگان (Vaughan, 2003) پیشنهاد کرده است که هوش معنوی همراه با گشودگی و توانایی زیاد برای درک دیدگاه‌های متفاوت، حساسیت بیشتر نسبت به واقعیت‌های ظریف مثل حالت‌های متعالی و حوزه‌های روحی و تجربه‌ی آن‌ها و فهم عمیق بازنمایی‌های نمادین، افسانه‌ای و اساطیری در جهت بسط هوشیاری است؛ بنابراین، در این دیدگاه، یک ذهنیت باز و متفکرانه که در برابر بلاتکلیفی، تناقض و ابهامات تاب می‌آورد، برای رشد هوش معنوی سودمند است، درصورتی‌که پذیرش انعطاف‌پذیر و بدون چون‌وچرای یک نظام عقیدتی ویژه ممکن است مانع رشد و توسعه آن باشد (Sisk & Torrance, 2001; Noble, 2000). در حقیقت، فراخ‌اندیشی هم به‌عنوان یک عامل کمک‌کننده در تحول هوش معنوی و هم به‌عنوان نتیجه‌ی آن شناخته می‌شود (Noble, 2000). در همین راستا، ممکن است که گفته شود که تحول هوش معنوی از مراحل تحول ایمان، فاولر[1] تبعیت می‌کند که بیانگر پیشرفت از حد نابالغی در معنویت به سمت بلوغ معنوی است (Sohrabi & Naseri, 2012).

ساغروانی (Saghervani, 2009) در پژوهش خود بیان می‌کند که تجارب معنوی و یا عرفانی افراد به رشد هوش معنوی آن‌ها کمک می‌کند. درصورتی‌که هوش معنوی به‌خوبی رشد یابد، ویژگی‌هایی از جمله

1. Fowler, J. W.

اصالت، درستی، فروتنی، مهربانی، سخاوت، مدارا (بردباری)، انعطاف‌پذیری و تمایل به کمک به دیگران در هنگامی‌که نیاز دارند، ظهور می‌یابد. همچنین درگیری با اعمال معنوی مانند نماز، تعمق، تأمل در خود، یوگا، مراقبه، روان‌درمانی، کمک مالی به دیگران و وارد شدن به دوره‌های زمانی سکوت و انزوا است (Vaughan, 2003).

تجربه‌های عرفانی یا معنوی قادرند به رشد هوش معنوی کمک کنند، به‌ویژه اگر آن‌ها در بافتی پایه‌ای و حمایتی قرار گرفته باشند که ادغام آن‌ها را با زندگی روزمره تسهیل می‌کند. اگر اثر جسمانی، روان‌شناختی و درون فردی این تجربه‌ها مورد تأمل قرار گیرند، آن‌ها می‌توانند تأثیر استحاله‌ای مثبتی بر کنش روان‌شناختی و بهزیستی فرد داشته باشند (Vaughan, 2003; Noble, 2000). تجربه‌های معنوی (مانند تجربه‌های عرفانی و نزدیک به مرگ) حوادث متبلورکننده‌ای هستند که می‌توانند به تغییرات مثبت بلندمدت در روابط فرد با خودش و دیگران منجر شود (Noble, 2000).

ازآنجایی‌که هوش معنوی شامل مؤلفه‌های خود شناسی و خودآگاهی می‌شود، رسیدگی به خودشناسی حائز اهمیت است. سؤالات اساسی خودآگاهی یا خودشناسی از جمله من کیستم یا از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم و ...، از اولین سؤالات انسان از خود بوده است و همیشه به دنبال یافتن پاسخ آن بوده است. موضوع خودشناسی از دیرباز در میان علوم مختلف از جمله روانشناسی، فلسفه، حکمت، عرفان، جامعه‌شناسی و ... مطرح بوده است (AziziAlocheh & Larijani, 2009).

سیر تاریخی «خودشناسی» بایستی از زمان سقراط مورد بازکاوی قرار گیرد زیرا سقراط بر این گفتار حکیمانه که «خود را بشناس»، بسیار تأکید می‌نموده است و خودآگاهی را اولین گام در طریق کسب حکمت و معرفت می‌دانست. فلاسفه پس از سقراط نیز مانند ارسطو موضوع «معرفت نفس» یا خودشناسی را در کانون توجه قرار داده‌اند (AziziAlocheh & Larijani, 2009).

ماهیت انسان در فلسفه‌ی اسلامی با نام «علم‌النفس» مورد بررسی قرار گرفته شده و تعریفی که ارائه داده‌اند، این است که غیر از اعضاء و جوارح و ابدان مادی، امر دیگری در باطن انسان‌ها است که منشای احساسات و ادراکات و تعقلات و حرکات و سکنات و فعل‌وانفعالات ارادی و غیر آن‌ها است و آن همان نفس ناطقه و جان و روان آدمی است که غرض از خود شناسی شناخت این نفس است (AziziAlocheh & Larijani, 2009). صدرالمتألهین که خود از رهپویان طریق «معرفت نفس» است و به منازل این راه واقف است، در اسفار اربعه، نفس را این‌چنین تعریف می‌کند:

«نفس جوهری است ذاتاً مستقل و در فعل نیاز به ماده دارد و متعلق به اجساد و اجسام است و سرانجام

جوهری است مستقل و قائم‌به‌ذات خود که تعلق تدبیری به ابدان دارد».

صادقی (Sadegi, 2012) بیان می‌کند نکته قابل‌توجه در کتب ملاصدرا این است که اگر این انسان در زندگی‌اش دارای حرکات غایتمند و در جهت الهی باشد آرامش روانی و تعادل به دست می‌آورد که در این راستا مؤلفه‌ها و عواملی نقش اساسی خواهند داشت چنان چه اگر کسی به دنبال شناخت خویش باشد و خود و عظمت خویش را دریابد هدفمند خواهد بود، علاوه بر این‌که با پی بردن به استعدادهای درونی خویش سعی می‌کند در سایه زندگی عقلانی به کمال وجودی خود دست یابد.

در احادیث و متون فلسفی آثار بسیار زیادی در کسب معرفت نفس یا خودشناسی ذکر شده است از جمله مشهورترین اثر آن معرفه الله یا خداشناسی است. ملاصدرا بر این باور است که «معرفت نفس»، کلید و نردبان «معرفه الله» است. از مهم‌ترین روایات، روایت مشهور نبوی است که: «من عرف نفسه فقد عرف ربّه؛ هرکس خود را بشناسد به تحقیق خدای خود را خواهد شناخت» (Arefishirdaghi, 2015).

در برنامه‌ی آموزشی خودشناسی با رویکرد صدرایی چهار مؤلفه‌ی اصلی خودآگاهی، باورها و اعمال مذهبی، هوشیاری اوج یافته و تعالی تدوین شده است که این چهار مؤلفه با هوش معنوی به شرح ذیل مرتبط است.

خودآگاهی

در دیدگاه ملاصدرا خودآگاهی شناخت لایه‌ها و ابعاد مختلف انسان است که بر اساس این دیدگاه حقیقت انسان ماوراء بدن است. اکثر صاحب‌نظران حوزه‌ی هوش معنوی خودآگاهی را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی هوش معنوی در نظر می‌گیرند (Sisk, 2002; Vaughan, 2003; Zohar & Marshall, 2000).

سیسک (Sisk, 2002) بیان می‌کند که هوش معنوی می‌تواند به‌عنوان یک خودآگاهی عمیق که در آن فرد بیش‌ازپیش از ابعاد خویشتن آگاه می‌شود (نه‌تنها از بدن بلکه از ذهن و روح) تعریف شود. از نظر وی هوش معنوی ما را قادر می‌سازد تا یک دانش درونی را رشد بدهیم. در زبان فلسفه‌ی هندی، دانش درونی، آگاهی از جوهر و ماهیت هوشیاری است و فهم اینکه این جوهر درونی، ماهیت همه آفریدگان است.

به نظر می‌رسد که هوش معنوی می‌تواند به‌منظور عمیق‌تر کردن رابطه‌ی یک فرد با خودش، با دیگران یا جهان بزرگ‌تر در فعالیت‌های روزمره به کار گرفته شود (Sisk, 2002). همچنین هوش معنوی می‌تواند به شکلی مستقیم‌تر به پیگیری هوشیارانه و ارادی رشد روان‌شناختی خود فرد کمک کند (Vaughan, 2003).

یادگیری گوش دادن و اعتماد کردن به ندای درونی فرد امری اساسی است. این اعمال منجر به درجه بالاتری از خویشتن‌پذیری، درک پیوندهای بین مردم و حوادث مختلف و اطمینان به فرایند زندگی و نظم در جهان هستی می‌شود (Noble, 2000). ناسل (Nasel, 2004) نیز معتقد است که یکی از ویژگی‌های

اساسی هوش معنوی خودآگاهی عمیق است که لازمه‌ی آن آگاهی از ابعاد و لایه‌های مختلف وجود خود است. برنامه‌ی آموزشی خودشناسی با رویکرد صدرایی با توضیح ابعاد مختلف انسان فرد را به سمت نوعی آگاهی و هوشیاری نسبت به خود می‌برد که فرد متوجه این نوع شناخت به‌صورت حضوری و درونی می‌شود.

باورها و اعمال مذهبی

در رویکرد صدرایی بدن ابزاری برای کمال انسان است که انجام اعمال مذهبی کمکی برای سیر سریع‌ترانسان است. راهبردهای مذهبی – معنوی منبعی چندبُعدی است که می‌تواند در ساختار شناختی یک موقعیت، به‌صورت روش‌های مورداستفاده برای رسیدن به اهداف مطلوب و نیز خود اهداف، متجلی شود. این روش‌ها دربردارنده شناخت‌های مذهبی (مثل باورها و اسنادهای مذهبی)، هیجانات (مثل آرامش و لذت)، رفتارها (مثل مناسک و آداب) و روابط مذهبی (مانند تشکل‌های مذهبی) است و اهداف مطلوب نیز به مواردی، همچون معنایابی، حس تسلط و کنترل، آسودگی خاطر، صمیمیت، سلامتی و تجارب ماوراءالطبیعه اشاره دارد (Pargament et al., 2000).

افرادی که از هوش معنوی بالایی دارند از یکسری باورها و اعتقادات در مورد زندگی، مرگ، جهان پس از مرگ و... برخوردارند. همچنین این افراد پایبند به یکسری از اعمال و مناسک مذهبی و معنوی می‌باشند (Emmons, 2003; Wolman, 2001).

ادواردز[1] معتقد است که داشتن هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی درباره‌ی هوش معنوی متفاوت است این تمایز فاصله میان دانش عملی و دانش نظری را مطرح می‌کند، لذا نباید داشتن دانش وسیع در مورد مسائل معنوی و تمرین‌های آن‌ها را هم‌ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق در مسائل وجودی و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی یکی دانست. هرچند می‌توان گفت برای بهره‌مندی مؤثر از معنویت، داشتن توأمان دانش نظری و عملی لازم است (Ghobaribanab, 2007). استفاده از راهبردهای مذهبی مانند راهبردهای مقابله‌ای، از قبیل راهبردهای مسئله‌مدار، رابطه بین استرس و سلامت جسمی و روانی را تعدیل می‌کند (Pargament et al., 1998).

سهرابی و ناصری (Sohrabi & Naseri, 2010) نیز باورها و اعمال مذهبی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی معرفی می‌کنند که ممکن است این باورها و اعمال در ادیان مختلف به اشکال متفاوتی ظاهر شوند.

1. Edwards, F. R.

تجربه‌ی هوشیاری اوج یافته

در رویکرد خودشناسی صدرایی، شناخت عوالم و شناخت خداوند یک روش تجربی است، منتها تجربه‌ای معنوی که در آن فوق هوشیاری را می‌توان تجربه کرد. تجربه‌ی هوشیاری اوج یافته در اکثر تعاریف به‌عنوان یکی از ویژگی‌های هوش معنوی ارائه‌شده است (Amram, 2007; Emmons, 2003; King, 2008; Noble, 2000; Sisk, 2002; Wolman, 2001).

سیسک (Sisk, 2002) در مدل خود تجربه‌ی هوشیاری اوج یافته را در زمره تجارب هسته‌ای هوش معنوی می‌شمارد و امرام (Amram, 2007) از هوشیاری اوج یافته تحت عنوان آگاهی فراعقلی یاد می‌کند که شامل فرا رفتن از عقلانیت به‌واسطه‌ی تلفیق تناقضات و استفاده از حالت‌های متعدد هوشیاری از جمله نیایش، سکوت، شهود، مراقبه و رؤیا است. کینگ (King, 2008) در مدل پیشنهادی، گسترش هوشیاری را توانایی ورود به مراحل بالاتر هوشیاری (اوج یافته) مثلاً هوشیاری مطلق و نامتناهی، اتحاد و یکی شدن و دیگر حالت‌های جذبه به اختیار فرد (مثلاً تأمل عمیق، مراقبه و نماز) می‌داند.

سهرابی و ناصری (Sohrabi & Naseri, 2008) در پژوهشی رابطه‌ی مستقیمی بین هوش معنوی رشدیافته و فراوانی تجربه‌های معنوی را گزارش کردند. در فرهنگ ایران موضوع تجربه‌های حالت‌های معنوی در وضعیت‌های دگرگون هوشیاری بیشتر در متون عرفانی موردبحث است. تحقیقات نشان‌دهنده‌ی رابطه بین تجربه‌های معنوی و سلامت روان و جسم است.

تعالی

تعریف تعالی بسیار نزدیک به مفهوم وحدت وجود در مبحث خود شناسی ملاصدرا است. وحدت به معنای یکتایی و یگانگی است و وجود نیز به معنی هستی (مقابل عدم و نیستی) است. به زبان ساده مقصود از وحدت وجود یکی بودن و یگانگی عالم هستی است؛ یعنی اینکه هرچه در جهان است وحدت محض است و هیچ دویی و دوگانگی بین موجودات عالم نیست (Amin, 1997). یکی از ویژگی‌های مشترک اکثر تعاریف ارائه‌شده از هوش معنوی، آگاهی متعالی است (Amram, 2007; Emmons, 1999; King, 2008; Noble, 2000; Vaughan, 2003; Zohar & Marshall, 2000).

تعالی ظرفیت فرا رفتن از مرزهای دانش، تجربه و شعور بشری است، به‌ویژه در یک روش معنوی یا مذهبی. آگاهی متعالی ظرفیت تشخیص بُعد متعالی خود، دیگران و جهان مادی است (King, 2008). وگان (Vaughan, 2003) آگاهی از به هم‌پیوستگی و وحدت تمام موجودات با هم و تعالی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی معرفی می‌کند. نوبل (Noble, 2000) معتقد است که در پرتوی ارتباط هوش معنوی

با تعالی، هوش معنوی می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی از هوشیاری که واقعیت چندبُعدی را که در آن ویژگی‌های جسمانی در برگرفته شده‌اند و اهمیت شخصی و اجتماعی گسترش همدلی، خودآگاهی و سلامت روانی را تشخیص می‌دهند، درک شود.

حال با توجه به نیاز رشد معنوی و به‌ویژه هوش معنوی در زندگی مدرن امروز جهت سازگاری بهتر و حرکت به سمت سلامت و کمال، هدف اصلی پژوهش بررسی اثربخشی آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی بر هوش معنوی است.

روش

جامعه‌ی آماری پژوهش شامل دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد است که در دامنه‌ی سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارند که پس از پخش اطلاعیه در دانشگاه ۴۰ نفر داوطلب شرکت در کلاس‌های آموزشی شدند که معیارهای ورود به طرح از جمله شرکت در شش جلسه کلاس در ساعات از قبل تعیین‌شده و در مکان از قبل تعیین‌شده و همکاری داوطلبانه افراد در طرح را داشتند و البته توضیح داده شد که آزمودنی‌ها در صورت عدم تمایل به ادامه کار می‌توانند به‌صورت داوطلبانه از طرح خارج شوند و اصول اخلاقی پژوهش از جمله رضایت آگاهانه آزمودنی‌ها رعایت گردید و پس از آن آزمودنی‌ها به‌صورت تصادفی ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل — که به‌صورت گروه انتظار برای دوره آموزش بعدی بودند — قرار گرفتند. با توجه به این‌که بر اثر ریزش ۳ نفر از گروه آزمایش کم شده است از داده‌های ۳ نفر از گروه گواه نیز کم گردید. در این پژوهش توجه به محدودیت‌های پژوهش از جمله حضور مستمر داوطلب در شش جلسه و عدم غیبت و زمان‌های از قبل تعیین‌شده و ... نمونه به‌صورت دسترس و داوطلبانه انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی و برنامه آموزشی خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا است.

پرسشنامه هوش معنوی سهرابی و ناصری (۱۳۸۶): این مقیاس در سال ۱۳۸۶ توسط سهرابی و ناصری ساخته شده که ۹۷ عبارت دارد و چهار عامل خودآگاهی متعالی، تجربه‌های معنوی، شکیبایی و بخشش را می‌سنجد.

شیوه‌ی نمره‌گذاری:

خودآگاهی متعالی با ۵۵ سؤال: (۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۷۲،

۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷)، تجارب معنوی با ۱۹ سؤال: (۵، ۶، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۹۵)، شکیبایی با ۱۶ سؤال: (۷، ۱۰، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۴، ۶۰، ۶۸، ۷۱، ۸۳، ۹۲) و بخشش با ۷ سؤال (۴۵، ۶۷، ۷۳، ۷۶، ۸۲، ۸۶، ۹۱) است.

هر سؤال روی یک پیوستار چهار گزینه‌ای، به شکل زیر پاسخ داده می‌شود: تقریباً همیشه، اغلب، به‌ندرت و هرگز(۴ تا ۱) که سؤال‌های ۷، ۱۰، ۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۱۵۴، ۵۵، ۶۰، ۶۸، ۷۱، ۷۵، ۸۳، ۹۲ برعکس نمره‌گذاری می‌شوند.

روایی همگرا برای کل پرسشنامه ۹۷ سؤالی محقق ساخته در مقایسه با نمرات کل سایر مقیاس‌های موجود برای سنجش هوش معنوی بالا است. ضرایب همبستگی کل مقیاس هوش معنوی یکپارچه ISIS (Emram, 2007) ۰/۹۷، پرسشنامه خود سنجی هوش معنوی SISRI (King, 2008) ۰/۹۵ و مقیاس ۱۷ سؤالی هوش معنوی SIS (Nasel, 2004) ۰/۸۷ است. برای بررسی پایایی پرسشنامه محقق ساخته از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب پایایی کل پرسشنامه نهایی (۹۷ سؤالی) برابر با ۰/۹۸ است. همچنین ضریب پایایی چهار عامل استخراجی به ترتیب برابر با ۰/۹۶، ۰/۹۰، ۰/۸۶ و ۰/۸۳ است. در مجموع ضریب پایایی کل پرسشنامه ۹۷ سؤالی و هر یک از چهار عامل آن بالا است که نشان‌دهنده همسانی و یکنواختی ماده‌های پرسشنامه محقق ساخته دارد. متجانس و همگون بودن سؤالات پرسشنامه و بالا بودن تعداد سؤالات پرسشنامه، می‌توانند از جمله دلایل بالا بودن ضریب پایایی پرسشنامه محقق ساخته باشند (Sohrabi & Naseri, 2012).

شیوه‌ی اجرا

در پژوهش حاضر در طی اطلاعیه‌ای در دانشگاه فردوسی مشهد از دانشجویان دختر در دامنه‌ی سنی ۲۰–۳۰ سال علاقه‌مند به شرکت در کلاس‌های آموزشی دعوت به عمل آمد که از بین داوطلبان ۴۰ نفر در جهت شرکت در پژوهش اعلام آمادگی کردند. آزمودنی‌ها به‌صورت تصادفی در دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش در کلاس‌های آموزشی در شش جلسه مشخص در طی دو هفته شرکت کردند که سه نفر در طی جلسات مختلف ریزش داشت و گروه کنترل به‌عنوان گروه انتظار آموزشی دریافت نکرد. هر دو گروه در جلسه‌ی اول در پیش‌آزمون و در جلسه‌ی آخر در پس‌آزمون شرکت کردند.

برنامه خودشناسی با رویکرد صدرایی ظریفیان، عبد خدایی و آقا محمدیان شعرباف (۱۴۰۱)

این برنامه آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی ظریفیان، عبد خدایی و آقا محمدیان شعرباف تدوین گردیده است که شامل شش جلسه ۹۰ دقیقه‌ای با سرفصل‌ها و محتوا و تمرین‌ها و تکالیف است که محتوای آن به‌صورت مختصر در جدول ۱ ارائه شده است.

محتوای این برنامه خودشناسی از کتاب خویشتن پنهان: شرح ده نکته از معرفت نفس طاهرزاده (Taherzadeh, 2011) که بر اساس جلد هشتم کتاب اسفار اربعه ملاصدرا است، به‌علاوه تغییراتی بر اساس مباحث روانشناسی تدوین شده است.

جدول ۱: برنامه آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی

جلسات	مؤلفه	تعریف	محتوای جلسات	تکالیف و تمرین
اول	ــــــــ	ــــــــ	تشکیل گروه، معارفه، مقدمه‌ای بر خودشناسی و معرفی ملاصدرا، بیان اهداف و قوانین گروه	انجام آزمون‌های پیش‌آزمون در جلسه
دوم	خودآگاهی	شناخت لایه‌ها و ابعاد مختلف در دیدگاه ملاصدرا حقیقت انسان ماوراء بدن است	بیان مفهوم خودآگاهی و ابعاد مختلف ازجمله نفس انسان و ویژگی‌های این ابعاد ازجمله تجرد نفس	شما که هستید؟ آیا نقاط قوت و ضعف خود را می‌شناسید؟ اهداف و آرزوهای خود و اولویت‌های آن را بیان کنید.
سوم	باورها و اعمال مذهبی	از دیدگاه ملاصدرا بدن ابزاری برای کمال انسان است که انجام اعمال مذهبی کمکی برای سیر سریع‌تر انسان است.	بیان ارتباط بین بدن و نفس و این‌که چگونه بر هم تأثیر می‌گذارند.	آیا بدن خود را می‌شناسید؟ فایده بدن برای نفس چیست؟ در ماه رمضان چه تأثیراتی بر خود احساس کرده‌اید؟
چهارم	هوشیاری اوج یافته	در رویکرد ملاصدرا خودشناسی، شناخت عوالم و شناخت خداوند یک روش تجربی است، منتها تجربه‌ای معنوی	بیان مفهوم تجربه فوق هوشیاری و مصادیق آن. دیدگاه ملاصدرا و تجارب معنوی.	تمرین: تن آرامی و تنفس عمیق تکلیف: مراقبه و محاسبه در ساعات آخر شب.
پنجم	تعالی	شامل جدایی گذرا از	بیان مفهوم تعالی و بیان	از گروه خواسته می‌شود که

جلسات	مؤلفه	تعریف	محتوای جلسات	تکالیف و تمرین
		ویژگی‌های جسمانی و تجربه اتحاد با بشریت و یک نیروی برتر	وحدت نفس و وحدت حق در دیدگاه ملاصدرا	تجارب خود را در زمینه احساس وحدت در زندگی خود را بیان کنند.
ششم	________	________	مرور مطالب، جمع‌بندی، رفع اشکال	اجرای آزمون‌ها به‌عنوان پس‌آزمون

یافته‌ها

به لحاظ جمعیت شناختی گروه نمونه شامل ۴۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد که در رده سنی ۲۰- ۳۰ بودند و ۳۰ درصد (۱۲ نفر) آن‌ها در مقطع کارشناسی ارشد و ۷۰ درصد (۲۸ نفر) در مقطع کارشناسی در حال تحصیل بودند. جهت تجزیه‌وتحلیل استنباطی از تحلیل کوواریانس (ANCOVA) و تحلیل کوواریانس چند متغیری (MANCOVA) استفاده می‌شود. اطلاعات حاصل از اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر روی اعضای نمونه مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. در ادامه آمارهای توصیفی مربوط به نمرات هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در آزمودنی‌های پژوهش در مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ ارائه‌شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	**متغیر**	میانگین پیش‌آزمون	انحراف استاندارد پیش‌آزمون	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد پس‌آزمون
آزمایش	خودآگاهی	۱۵۷/۱۷	۱۴/۵۵	۱۷۸/۲۳	۱۵/۳۹
	تجارب معنوی	۴۶/۸۲	۵/۸۸	۶۱/۶۴	۷/۴۴
	شکیبایی	۳۶/۱۷	۶/۴۹	۴۵/۰۵	۷/۷۸
	بخشش	۱۷/۵۸	۲/۷۸	۲۱/۴۱	۳/۳۹
	کل مقیاس هوش معنوی	۲۵۷/۷۶	۲۴/۳۸	۳۰۶/۳۵	۲۹/۸۶
گواه	خودآگاهی	۱۵۹	۱۲/۱۶	۱۵۸/۷۰	۱۲/۶۲
	تجارب معنوی	۴۸/۱۷	۷/۱۶	۴۷/۷۰	۶/۷۹
	شکیبایی	۴۱/۴۷	۷/۸۸	۴۲/۲۹	۸/۹۹
	بخشش	۱۸/۰۵	۲/۹۴	۱۸	۳/۳۳
	کل مقیاس هوش معنوی	۲۶۶/۷۰	۲۰/۸۲	۲۶۶/۷۰	۲۲/۶۵

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین نمره مؤلفه‌های هوش معنوی اعضای گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به اعضای گروه گواه افزایش داشته است.

برای استفاده از روش تحلیل کوواریانس ابتدا پیش‌فرض‌های آن، یعنی مستقل بودن، نرمال بودن، همگنی واریانس‌ها، همگنی شیب رگرسیون و خطی بودن بررسی شد. با توجه به آزمون کالموگروف- اسمیرونوف داده‌های مورد بررسی دارای توزیع نرمال می‌باشند. آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها گرفته شد که نتایج آن نشان داد واریانس دو گروه در پیش‌آزمون برابر است (p>۰/۰۵)؛ بنابراین، فرض صفر که بیان می‌کند واریانس‌ها با هم همگن هستند، تأیید شد.

مفروضه‌ی همگنی شیب رگرسیون‌ها نیز نشان داد که بین گروه‌ها و پیش‌آزمون تعامل وجود ندارد. در مورد مستقل بودن گروه‌ها نیز چون آزمودنی‌ها در دو گروه آزمایش و کنترل به‌صورت تصادفی قرار گرفتند، این مفروضه نیز مورد تأیید است.

با توجه به تأثیر احتمالی پیش‌آزمون بر پس‌آزمون و به‌منظور بررسی دقیق‌تر نتایج، در تحلیل داده‌های پس‌آزمون از روش تحلیل کوواریانس تک متغیری در نمره‌ی کل هوش معنوی استفاده شد. نتایج این آزمون که میانگین میزان هوش معنوی آزمودنی‌های گروه آزمایش و گواه در مرحله پس‌آزمون را با کنترل کردن اثرات پیش‌آزمون به‌عنوان هم متغیر، مقایسه می‌کند در جدول ۳ ارائه‌شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس هوش معنوی در گروه‌های آزمایش و کنترل

شاخص	df	F	p	مجذور اتا
گروه	۱	۱۶/۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۵

مطابق جدول ۳، میزان F به‌دست‌آمده برابر است با ۱۶/۷۳ و مجذور اتا نیز معادل ۰/۳۵ است، لذا با p=۰/۰۰۱ نتیجه می‌گیریم که نمرات میزان هوش معنوی آزمودنی‌های گروه آزمایش و گواه بعد از اجرای متغیر مستقل یعنی آموزش خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا با ثابت نگاه‌داشتن نمرات آزمودنی‌ها قبل از اجرای مداخله، تفاوت معناداری دارد که در این میان با توجه به جدول ۲ هوش معنوی دانشجویان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در پس‌آزمون افزایش‌یافته است که این تغییرات معنادار و ۳۵٪ تغییرات آن‌ها ناشی از شرکت در دوره‌ی آموزش خودشناسی از دیدگاه صدرایی است.

در ادامه به بررسی خرده مقیاس‌های متغیر هوش معنوی پرداخته شد. سؤال فرعی این بود که آیا آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی بر افزایش مؤلفه‌های هوش معنوی (خودآگاهی، تجارب معنوی،

بخشش و شکیبایی) تأثیر دارد؟

به‌منظور بررسی معنادار بودن تفاوت میان میانگین‌ها با توجه به اینکه قبل از ارائه آموزش خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا، آزمودنی تحت عنوان هوش معنوی با چهار خرده مؤلفه، به‌عنوان پیش‌آزمون از فراگیران به عمل آمد از تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده می‌شود و از پیش‌آزمون‌ها به‌عنوان متغیرهای همپراش جهت حذف اثر متغیر تصادفی استفاده می‌شود قبل از آزمون فرضیه‌ها، مفروضه‌های آماری این آزمون یعنی مستقل بودن، نرمال بودن، همگنی واریانس‌ها، همگنی شیب رگرسیون و خطی بودن بررسی شد. با توجه به آزمون کالموگروف-اسمیرونوف، داده‌های مورد بررسی دارای توزیع نرمال می‌باشند.

همگنی واریانس‌ها از طریق آزمون لوین ($p>۰/۰۵$) برای هر یک از متغیرهای وابسته نشان داد هیچ‌گونه تخطی از این مفروضه‌ها صورت نگرفته است. مفروضه همگنی شیب رگرسیون‌ها نیز نشان داد که بین گروه‌ها و پیش‌آزمون تعامل وجود ندارد. در مورد مستقل بودن گروه‌ها نیز چون آزمودنی‌ها در دو گروه آزمایش و کنترل به‌صورت تصادفی قرار گرفتند، این مفروضه نیز مورد تأیید است.

آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که تفاوت بین سطوح متغیر مستقل در ترکیب خطی متغیرهای وابسته یعنی مؤلفه‌های هوش معنوی معنادار است (۰/۴۵= لامبدای ویلکز، ۰/۰۰۱ =p، ۷/۵۷ = $F_{(۴،۲۵)}$). در ادامه نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری به‌منظور مقایسه‌ی تأثیر آموزش خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا، بر مؤلفه‌های هوش معنوی برای هر دو گروه در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس چندگانه به جهت مقایسه تأثیر آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی بر مؤلفه‌های هوش معنوی

مؤلفه	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجموع مجذورات	F	p
خودآگاهی	گروه	۲۲۶۱/۹۱	۱	۲۲۶۱/۹۱	۱۰/۶۷	۰/۰۰۳
تجارب معنوی	گروه	۱۵۸۲/۷۷	۱	۱۵۸۲/۷۷	۲۶/۹۹	۰/۰۰۱
شکیبایی	گروه	۶۳/۱۳	۱	۶۳/۱۳	۰/۸۹	۰/۳۵
بخشش	گروه	۷۲/۷۳	۱	۷۲/۷۳	۶/۰۸	۰/۰۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین دو گروه از جهت خودآگاهی ($F_{(۱،۲۸)}=۱۰/۶۷, p=۰/۰۰۳$)، تجارب معنوی ($F_{(۱،۲۸)}=۲۶/۹۹, p=۰/۰۰۱$) و بخشش ($F_{(۱،۲۸)}=۶/۰۸, p=۰/۰۲$)، تفاوت معناداری وجود دارد به‌طوری که می‌توان نتیجه گرفت که میانگین گروه آزمایش به‌طور معناداری افزایش‌یافته است که این تفاوت

به نفع گروه آزمایش است؛ اما ازلحاظ شکیبایی ($F_{(۱،۲۸)}$ =۰/۸۹، p =۰/۳۵) تفاوت معنادار نبود.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش برنامه خودشناسی با رویکرد صدرایی بر افزایش هوش معنوی انجام شد. با توجه به سؤال پژوهش که آیا آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی سبب افزایش هوش معنوی می‌شود یا خیر، یافته‌ها نشان داد که میانگین گروه آزمایش پس از آموزش به‌طور معناداری افزایش‌یافته است. درنتیجه می‌توان گفت آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی سبب افزایش هوشمندی معنوی می‌شود.

رویکرد صدرایی نوعی شناخت و آگاهی است که صدرالمتألّهین در مفاتیح‌الغیب ذکر می‌کند که انسان، از دو راه، به علم و دانش دست می‌یابد: الف. «تعلّم» و «کسب» (اینکه انسان می‌تواند در فرآیند آموزش، به تحصیل علم و دانش بپردازد)؛ ب. «وَهب» و «جذبه». بر این اساس، مقصود ملاصدرا از واژه‌ی «معرفت» در عبارت «معرفت نفس»، همان علم حضوری و بی‌واسطه نفس به خود است که از آن به «خودآگاهی شهودی» نیز تعبیر می‌شود (Taherzadeh, 2011). در نتیجه‌ی این علم حضوری می‌تواند آگاهی فرد را نسبت به مؤلفه‌های زیادی از جمله مؤلفه‌های هوش معنوی سبب شود و فرد را به سمت شکوفا کردن این هوش حرکت دهد.

تحقیقات متعددی بیانگر این واقعیت است که هوش معنوی را می‌توان به شیوه‌های گوناگون افزایش داد. ولمن (Wolman, 2001) بیان می‌کند که اگر مؤلفه‌های اصلی هوش معنوی را بتوان در افراد شکوفا کرد و آن‌ها را با رسیدگی و تعلیم و تربیت ارتقاء داد، این هوش در افراد می‌توانند رشد کنند.

همچنین سنجری (Sanjari, 2011) در پژوهشی به بررسی امکان پرورش هوش معنوی در پرتو پرورش ذهنیت فلسفی پرداخته که نتایج آن تأیید می‌کند که هوش معنوی به این روش فلسفی قابل پرورش است به نظر وی فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای روبه‌رو شدن با دشواری‌ها و سختی‌ها و فراتر از آن رفتن، ظرفیتی برای الهام و شهود، نگرش کل‌نگر به جهان هستی، در جست‌وجوی پاسخ برای پرسش‌های بنیادی زندگی، نقد سنت‌ها و آداب و رسوم است که این موارد با مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی همپوشانی دارند.

در پژوهش حاضر به علت اینکه برنامه‌ی آموزش خودشناسی با رویکرد صدرایی شامل بخش‌های بسیار مرتبط با هوش معنوی مثل آموزش خودآگاهی، باورها و اعمال مذهبی، هوشیاری اوج یافته و تعالی است و همچنین این برنامه شامل ظرفیت‌ها و انجام رفتارهایی از قبیل شناخت و تفکر منظم در خویشتن و

جهان بیرونی، محاسبه نفس، پرورش بُعد متعالی خود و... است بر رشد و گسترش هوش معنوی تأثیر بسزایی داشته است.

همچنین پژوهش نشان داد که آموزش خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا، خودآگاهی متعالی را به‌طور معناداری افزایش داده است. پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که با آموزش و آگاهی دادن ابعاد گوناگون بدن و روح انسان و ویژگی‌های مربوط به آن‌ها می‌توان خودآگاهی را پرورش داد. سیسک و تورنس (Sisk & Torrance, 2001) در پژوهشی سعی کردند با آموزش، تفکر هدفمند، تشخیص ارزش‌ها، مسئولیت‌پذیری در برابر اهداف، معنایابی در زندگی، توجه به عشق و محبت به دانش آموزان در رشد هوش معنوی کمک می‌کنند. سیسک (Sisk, 2002) بیان می‌کند که خودآگاهی را می‌توان که با آگاهی دادن فرد که بیش‌ازپیش از ابعاد خویشتن را بشناسد (نه‌تنها از بدن بلکه از ذهن و روح) پرورش داد و عمق بخشید. از نظر وی هوش معنوی ما را قادر می‌سازد تا یک دانش درونی را رشد بدهیم.

پژوهش حسین جاری و ذاکری (HosseinJari & Zakeri, 2010) بیانگر این است نمره‌ی خودآگاهی طلبه‌های دینی و دانشجویان بیشتر از نمره‌ی هنرمندان بوده است و به این علت است گسترش خودآگاهی به معنای داخل شدن و یا خارج شدن از حالت‌های معنوی و بالای هشیاری است که این هشیاری در پرتو آگاهی از وجود حاصل می‌گردد که این حالت طلبه‌ها به سبب صرف زمان بیشتری به مطالعه و آموزش امور معنوی است.

همچنین پژوهش‌های اسدی و همکاران (Asadi et al., 2011) تأییدکننده‌ی این است که می‌توان با آموزش خودآگاهی در غالب برنامه‌های گوناگون مؤلفه‌هایی مانند مهارت‌های زندگی را افزایش داد.

در پژوهش حاضر در جلسات متعددی بحث خودآگاهی مطرح شد. در طی جلسات مختلف ابعاد وجودی یعنی جسم و روح به‌روشنی بیان شد که عامل خودآگاهی تدریجی و عمیق در گروه است. همچنین گروه درباره‌ی خصوصیات و ویژگی‌های جسمانی و روحی، نقاط قوت و ضعف ابعاد وجودی خود، نیازها، خواسته‌ها، اهداف و ارزش‌های خویشتن تبادل‌نظر کردند. این بحث‌ها و دریافت بازخورد از دیگران عوامل بسیار مؤثری در شناخت هر چه بیشتر فرد از خویش است که در پژوهش حاضر نیز مشاهده شد.

بررسی یافته‌ها نیز حاکی از آن است که آموزش خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا، تجارب معنوی را به‌طور معناداری افزایش داده است. با افزایش سطح معنوی شخص، نگرش و دید فرد به زندگی به‌طور چشمگیری تغییر می‌کند و به‌تبع آن رفتارها و تجارب نیز متحول می‌شود. به‌عنوان‌مثال شخصی که سطح معنوی کم دارد ممکن است به‌سختی بتواند با برنامه‌ی پرمشغله‌ی خود زمانی برای حضور خویش در یک

جلسه‌ی معنوی را پیدا کند. درحالی‌که همان شخص با داشتن همان تعهدات مادی بعد از رسیدن به سطح معنوی متوسط، در طی روز به‌راحتی خواهد توانست برای شرکت در مباحث معنوی و مطالعه‌ی منظم متون معنوی زمان اختصاص بدهد و خود تجارب معنوی نیز سبب بالا رفتن سطح معنوی می‌شود.

همان‌طور که گفته شد آموزش خودشناسی ملاصدرا روشی است که سبب افزایش سطح معنوی و باورهای معنوی می‌شود که منجر به افزایش اعمال و تجارب معنوی می‌شود یعنی این باور مذهبی که حقیقت ما نفس است که برای به کمال رسیدن ملزم به استفاده از بدن است به اعمال مذهبی پایبند منجر می‌شود و از طرفی خود روش آموزشی یک روش تجربی معنوی است که در هر جلسه تجارب معنوی از طریق «مجاهدت»، «مراقبت»، «عبادت»، «ذکر» و «فکر» بیشتر می‌شود.

تحقیقات متعدد نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مذهب و اعمال دینی و هوش معنوی فرد است که می‌توان از طریق مجاهدت و تلاش در اعمال مذهبی و مراقبت از باورها و اعمال، تجارب معنوی بیشتری کسب کرد.

زارع بهرام‌آبادی و همکاران (ZareBahramabadi & et al., 2011) در پژوهش خود بیان می‌کنند همان‌طور که در منابع اسلامی در مورد مؤلفه‌های هوش معنوی و تأثیر روزه‌داری بر این مؤلفه‌ها تأکید شده است، روش‌شناسی علوم انسانی نیز دستورات اسلامی را در زمینه‌ی روزه‌داری تأیید می‌نماید به‌طوری‌که جدول‌ها نشان داد هوش معنوی افراد روزه‌دار افزایش چشمگیری داشت. بررسی رابطه هوش معنوی، جهت‌گیری دینی و سخت رویی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نشان داد که بین هوش معنوی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان رابطه معنادار و همبستگی منفی وجود دارد و دانشجویانی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند جهت‌گیری دینی در آنان درونی‌تری (ارتباط با تقوی) دارند. در پژوهشی با عنوان بررسی نقش و جایگاه هوش معنوی در معناداری زندگی به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی کاربرد منطقی مهارت‌های معنوی در جهت حل مسائل و مشکلات زندگی روزانه و فرآیند دستیابی به اهداف والای انسانی است (منطقی بودن مؤمنین و کاربرد دین و اجرای مناسک دینی نظیر روزه‌داری در بهبود روابط و مشکلات دنیا) آن‌ها دریافتند که هوش معنوی اساس اعتقادات، ارزش‌ها، اعمال و ساختار زندگی معنادار است.

در پژوهش حاضر در تمام جلسات سعی بر آن بود که روش آموزش یک روش تجربی باشد؛ یعنی همان‌طور که ملاصدرا بر این نکته تأکید فراوان کرده است روش معرفت نفس یک روش تجربی است، منتها تجربی معنوی که نوعی مواجهه‌ی وجودی با نفس ناطقه است و شرکت‌کنندگان در کلاس باید موضوعاتِ موردبحث را در خودشان تجربه می‌کردند و آن را بی‌واسطه حقّ نمایند، نه این‌که مطالب را صرفاً به حافظه بسپارند، بدون آن‌که در خود بیابند. افراد با مثال‌های کاملاً ملموس و قابل تجربه‌ی خود حقیقی و ابعاد وجودی

خویش را درمی‌یابند. همچنین در جلسات تمرین‌ها و تکالیف مختلفی ارائه شد مثل تمرین‌های مراقبه، تن‌آرامی و... که هریک از آن‌ها نقش بسزایی در افزایش تجارب معنوی گروه داشت.

یافته‌ها نشان داد که شکیبایی پس از آموزش در گروه آزمایش افزایش‌یافته است اما این تفاوت معنادار نبود. یکی از مهم‌ترین دلایل این نتیجه عدم بحث درباره شکیبایی به‌صورت گسترده و عدم ارائه‌ی مصادیق عینی در جلسات، می‌تواند باشد. همچنین به علت این‌که شکیبایی و صبر مقوله‌ای است که برای بروز حقیقی آن درگرو وسعت نفس است، نیاز به زمان زیاد و فرصت تجارب متعددی است که فرد بتواند به‌صورت کاربردی از شناخت وسعت روح خود در معنادهی و اهداف گزینی و صبر و شکیبایی در رسیدن به این اهداف بهره ببرد.

بررسی یافته‌ها نشان داد که آموزش خودشناسی از دیدگاه ملاصدرا، موجب می‌شود که بخشش به‌طور معناداری افزایش یابد. در آموزش خودشناسی صدرایی یکی از اهداف مهم انسان کمال من است که یکی از برطرف کردن موانع کمال انسان، بخشیدن است. وقتی انسان خصومت را کنار بگذارد و یا از دل پاک کند نفس انسان به حالت تعادل درمی‌آید، چون وقتی انسان خصومت کسی را در دل و ذهن دارد توجه‌اش دائماً به مشغولیات ذهنی و عینی است که خود موجب استرس و به دنبال آن افسردگی و اضطراب می‌شود. بخشش یکی از راه‌های اساسی انصراف نظر نفس از عالم ماده است.

حال می‌توان گفت با توجه به اهمیت فرهنگ در روانشناسی و ضرورت خودشناسی، خودشناسی با رویکرد صدرایی می‌تواند به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد، به‌خصوص که در این پژوهش موجب افزایش هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد گشته است که البته این اولین پژوهش کاربردی دیدگاه صدرایی است.

References

Abdullahzadeh, H., Baqerpour, M., Buzhmehrani, S., & Lotfi, M. (2009). *Spiritual intelligence (concepts, measurement and its applications)*. Ravansanji.

Amin, H. (1997). *The unity of existence in Islamic philosophy and mysticism*. besat.

Amram, J. (2007). *What is Spiritual Intelligence", Institute of Transpersonal Psychology*. Palo Alto.

Arefishirdaghi, M. (2015). The Role of Reason in Religious Knowledge and Its Limits. *Religious Anthroplogy*, *11*(32), 29–47. http://raj.smc.ac.ir/article_12330.html

Asadi, M., Aghaee, A., & Atashpur, H. (2011). The effect of life skills training on the spiritual intelligence of female high school students. *Scientific Research Quarterly of Woman and Culture*, *3*(9), 21–31. http://jwc.iauahvaz.ac.ir/article_523326.html

AziziAlocheh, M., & Larijani, S. (2009). Self-knowledge from the perspective of Mulla Sadra and Afzaluddin Kashani. *Marefatfalsafi*, *6*(3), 77–117.

https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=97484.

Boozhmehrani, S., Abdollahzadeh, H., Lotfipoor, M., & Bagherpour, M. (2010). *Spiritual intelligence (concepts, measurement and its applications)*. Psychometrics.

Daei, A. (2012). *Introduction Attention to the development of components of spiritual intelligence in textbooks of religion and high school life*. Thesis in M.A Ferdowsi University of Mashhad.

Emmons, R. A. (1999). *The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality*. The Guilford Press.

Emmons, Robert A. (2003). Is Spirituality an Intelligence? *Motivation, Cognition, and the Psychology of Ultimate Concern*, *21*(1), 3–26. https://doi.org/10.1207/S15327582IJPR1001_2

Ghobaribanab, B. (2007). Spiritual Intelligence. *A Research Quarterly in Islamic Theology (Kalam) and Religious Studies*, *10*(3), 125–147.

Hedayati, M., & Zaribaf, M. (2012). Fostering spiritual intelligence through the "Philosophy for Children" program. *Institute of Humanities and Cultural Studies*, *3*(1), 135–166. https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=184000

Hodhodi, B., Abdolahi, B., Arasteh, H., & Zinabadi, H. (2021). Islamic theory of spiritual intelligence: Designing a model of spiritual intelligence with an Islamic approach as the spiritual capital of managers. *Islamic Mysticism (Religions and Mysticism)*, *69*(18), 35–69.

HosseinJari, M., & Zakeri, H. R. (2010). The effect of studying university majors religious and art sciences on spiritual inteligence: a trial for validation and measuring reliability of spiritual inteligence scale, *Quarterly of Educational Measurement*, *1* (1), 1-21.

Khodayarifard, M. (2015). *Codification of theoretical foundations and design of scale and spiritual intelligence*. University of Tehran.

King, D. (2008). *Rethinking claims of Spiritual intelligence: A definition, model & measure*. Trent university.

Nasel, D. D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christi anility and new Age/individualistic spirituality*. University of South Australia.

Noble, K. (2000). Spiritual intelligence: A new frame of mind. *Advanced Journal*, *9*, 1–28.

Pargament, K. I., Koenig, H. G., & Perez, L. M. (2000). The Many Methods of Religious Coping: Development and Initial Validation of the RCOPE. *JOURNAL OF Clinical psychology*, *56*(4), 519–543. https://doi.org/10.1002/(SICI)1097-4679(200004)56:4

Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G., & Perez, L. (1998). Patterns of Positive and Negative Religious Coping with Major Life Stressors. *Journal for the Scientific Study of Religion*, *37*(4), 710-724. https://doi.org/10.2307/1388152

Rafieehonar, H. (2010). A look at two different translations in Iran and the Islamization of psychology. Cultural, Social and Political Quarterly of Farhang Pooi. *Puya.Nashriyat*, *16*.

Sadegi, M. (2012). Philosophical reflections on the pathology of human soul with regard to Sadra view. *Journal of Ethics*, *5*(16), 110–120. http://akhlagh.maaref.ac.ir/article-1-1604-fa.html

Saghervani, S. (2009). *Spiritual intelligence*. Ahangeghalam.

Sanjari, H. (2011). *Investigating the possibility of cultivating spiritual intelligence in the light of cultivating philosophical mentality*. Thesis in M.A Shahid Chamran University of Ahvaz.

Sisk, D. A., & Torrance, E. (2001). *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Creative Education Foundation press.

Sisk, D. A. (2002). Spiritual Intelligence: The Tenth Intelligence that Integrates all other Intelligences: *Http://Dx.Doi.Org/10.1177/026142940201600304*, *16*(3), 208–213. https://doi.org/10.1177/026142940201600304

Sohrabi, F., & Naseri, E. (2010). A study of the conception and components of spiritual intelligence and developing an instrument to assess it. *Rph*, *3*(4), 69–77. https://rph.khu.ac.ir/article-1-123-fa.html

Sohrabi, F., & Naseri, E. (2012). *Spiritual intelligence and its measurement scales*. Tehran: Avayenoor.

Taherzadeh, A. (2011). The hidden self: Explantion of ten points of self-knowledge, Esfahan: Labalmizan

Vaughan, F. (2003). What is Spiritual Intelligence?: *Journal of Humanistic Psychology*, *42*(2), 16–33. https://doi.org/10.1177/0022167802422003

West, W. (2000). *Psychotherapy and spirituality* (Translated). Tehran: Roshdpress.

Wolman, R. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. Harmony Books.

ZareBahramabadi, M., AsgharnejadFarid, A., Bahari, F., & Chami, M. (2011). The role of fasting in the Qur'an on the spiritual intelligence and happiness of fasting people. *Journal of Quran and Medicine*, *1*(3), 83–88.

Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. Bloombury.